

## یادداشتی بر نمایشگاه انفرادی بهروز قدمی با عنوان «ن/ دیدن» گالری «او» شهریور ۱۴۰۱

## محصور فضای زیسته



جاوید رمضانی

چندی است گالری او پس از افتتاح خود پروژه‌های تحت عنوان خارج از مرکز را آغاز کرده است. تمرکز به وجوه اقلیمی هنر و توسعه فرهنگی دال بر ذکاوت گردانندگان گالری او است. در دو سال فعالیت، این گالری موفق شده است چندین هنرمند قابل بررسی از زاویه لحن و قدرت فنی را به جهان هنر پایتخت معرفی کند. محصورشدن امکانات در حوزه معاصر فرهنگ ناشی از توجه و تمرکز مسئولان به جغرافیای سیاسی و اقتصادی شهرها و هسته‌های زیستی داخل کشور است. بدیهی است صنایع اصلی در این مراکز مستقر بوده و عمده جمعیت کشور در سال‌های پس از انقلاب از روستاها به سمت شهرها سرازیر شدند. گسترش دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی در رشته‌های هنری هم عامل دیگری است که باعث بیشترشدن جمعیت فارغ‌التحصیلان از شهرهای غیرمرکزی در رشته‌های هنر است. اما امکانات ارتباط بین مخاطبان و علاقه‌مندان الحان متفاوت هنر در پایتخت محدود بوده و با نگاهی به آمار، مشخص می‌شود کمتر از ۵۰ درصد کل گالری‌ها در مراکز دیگری غیر از پایتخت واقع شده‌اند.

این هفته شاهد نمایش آثار نقاشی بهروز قدمی در گالری «او» بودیم. بهروز قدمی متولد سال ۱۳۶۷ در سقز است. وی معلم هنر و دارای فوق لیسانس نقاشی از دانشگاه هنر تهران است. این اولین تجربه نمایش انفرادی او با گالری او بوده و تاکنون در چند نمایشگاه گروهی و جشنواره‌های تجسمی شرکت کرده است. مجموعه آثار بهروز قدمی در ساحت تمرکز بر اشیاء و پدیداری آنها در حوزه شخصی وی است. مجموعه ۳۸ تابلوی رنگ و روغن بر روی بوم که کوچک‌ترین آن در ابعاد ۴۰×۳۰ و بزرگ‌ترین آن در اندازه ۱۲۰×۸۰ سانتی‌متر نمایشگاه او را تشکیل داده است. عمده آثار در ساحتی عکاسانه به بازنمایی زندگی شخصی و خانه ساده و بی‌پیرایه وی متمرکز است. نحوه رنگ‌گذاری‌ها واقع‌گرایانه بوده و آثار با قدرت طراحی بالایی کار شده‌اند. نحوه ترکیب‌بندی، نور موجود در تابلوها نگاه شخص سوسمی به این آثار را تقویت می‌کند. انتخاب زوایای دید ساحتی مستند دارد، اشیائی که نامرتب در این خانه پراکنده‌اند احساسی از فقدان حضور عنصری نظم‌دهنده در زندگی وی را نشان می‌دهد. این تصاویر آشنا و خودمانی در سیر زندگی و روزمرگی او به کمک رنگ‌هایی شفاف و واقع‌گرا گزارشی از زیستن یک معلم هنر در شهری دورافتاده است.

این گزارش در عین رویکرد مستند و نقد اجتماعی، جست‌وجویی است در بی حقیقت هویت و روند شکل‌گیری محیط پیرامون هنرمند. وی در بیانیه نمایشگاه خود به این نکته اشاره می‌کند که: «هرگز در بر یک بازنمایی نبوده‌ام، در بی یافتن هویت و حقیقت و تعریف دیگری از اجسام هستم تا جان ببخشم به نادیدنی‌ها و

با صداقت در نور فضای زندگی خود به عنوان یک انسان گام بزنم».

این محصوربودن در فضای زیستن هرروزه و خیره‌شدن به اشیای اطراف تعمقی همراه با احساس فقدان به چیستی آینده است. قدمی هنرمندی است که نقاشی را نه به عنوان نقاشی بلکه به عنوان امکانی برای زندگی جان بخشیده. این امکان برای دانشجویی که به تحصیلات عالی دست یافته و به شغل معلمی می‌پردازد، یک ضرورت است و قطعا یک امید. او بی‌پروا حقیقت زندگی خود را در معرض دید مخاطبان هنر پرزرق‌وبرق مرکز قرار داده است. فارغ از تمام تحلیل‌ها و نظریه‌پردازی‌های بصری در باب اشیاء و حقیقت پدیداری‌شان، او به ساده‌ترین احساسات درونی خود پاسخ می‌دهد و امکان بیانی والا از این زندگی بسیار ساده و اشیائی بسیار اولیه برای زیستن را فراهم می‌کند و حقیقت‌ناامیدکننده‌ای را بازنمایی می‌کند.

از زاویه مفاهیم نظری، رویکرد هنرمندان به انسان و فضا روشی پدیدارشناسانه است؛ روشی کاملا مناسب جهت نفوذ در جهان روزمره معماری و مکان زیست در واقع کلیتی است که زیست-جهان هر فرد را متضمن خواهد بود. هنرمند با رویکرد خود به اشیای زندگی و محیط زندگی اش سعی در عینی‌کردن و معنادارکردن طبیعت زندگی خود دارد. اشیاء موجوداتی جدا و منفک از یکدیگرند اما زمانی که بخاری در کنار صندلی قرار می‌گیرد تجلی موقعیتی از زندگی انسان‌زیسته است، انسانی که اسیر زمان بوده است. تمام لحظات ترسیم‌شده توسط قدمی دال بر یک زمان شکل‌گیری است: «گذشته»؛ گذشته همراه با تابوتی از خاطره که با خود آن را حمل می‌کند. این ایستادن در

### گفت‌وگو با فرشته مقدسی ، هنرمند خوش نویس

## هنر و عرفان یک چیز هستند



نگاهش می‌کنی، بین او و هنرش تفاوتی باقی نمی‌ماند؛ یعنی همان مرحله فنا است. مثلا یانی (آهنگ‌ساز یونانی) را مثال بزنم. گاهی حس می‌کنم زمانی که دارد پیانو می‌زند او موسیقی است یا موسیقی اوست. هر دو یکی شده‌اند. خیلی تفاوتی میان‌شان نیست و ازاین‌رو فکر می‌کنم که هنر و عرفان یکی هستند.

- در کارهای‌تان از نوعی تهذیب مدرن استفاده می‌کنید؛ چرا؟**

تهذیب آثار من را سرکار خانم مسعودی انجام می‌دهند. خانم مسعودی از دوستان عزیز من هستند که از دوران نوجوانی ما با هم کلاس خط می‌رقطیم. ایشان هم خط کار می‌کردند ولی به نگارگری علاقه‌مند شدند و در این زمینه فعالیت کردند و الان هنرمند شاخص و درخشانی هستند و آثارشان در نمایشگاه‌ها و جشنواره‌های بین‌المللی عرضه می‌شود و تمیزبودن و خاص بودن آثارشان همیشه زبانزد خاص و عام است. علت اینکه فضاسازی‌های ایشان بر روی آثار من کمی مدرن یا متفاوت از آثار کلاسیک به چشم می‌آید. این است که فضاسازی خوش‌نویسی در آثار من متفاوت از آثار کلاسیک خط شکسته است. در مقدمه کتاب من جناب استاد محمد حیدری به همین مطلب اشاره کرده‌اند که با وجودی که من چارچوب اصلی خط را حفظ می‌کنم، فضاسازی‌ها را در سبک و سیاق جدیدی ارائه می‌کنم؛ به شکلی که قبل‌ا انجام نشده و مرسوم نبوده است. علت هم این است که اصولا انجام کار تکراری برای من خیلی ملال‌آور است و وقتی قطعه‌ای را می‌سازم، نمی‌توانم شعر دیگری را با همان فضا ارائه دهم. احساس می‌کنم به تکرار رسیده‌ام و به همین دلیل مدام در حال خلق فضاهای جدید هستم. علاقه‌مندی من به فضاهای خاص و متفاوت است؛ اما مسئله‌ای که اینجا اهمیت دارد، این است که چه آثاری که در فرم‌های کلاسیک ارائه می‌شوند و چه آثاری که برای فضاهای تلفیقی یا مدرن آماده می‌شوند، باید عناصر آن فضاها را در خود نهفته داشته باشد. اگر هنرمند فضاهای ارائه کار را در نظر بگیرد یا نسبت به آنها شناخت نداشته باشد و مطابق با آنها آثار را ارائه ندهیم، در نهایت مردم از آثار ما در منازل یا محل کارشان استفاده نخواهند کرد و این فاصله منجر به این می‌شود که متأسفانه این خط کم‌کم مهجور شود. وقتی ما از منازل مردم بیرون بیاییم و فقط به کتاب‌ها منحصر باقی بمانیم، نمی‌توانیم خیلی امیدوار باشیم که نسل‌های آتی اثری از این هنر را ببینند. برای همین باید فضاها را درک کنیم و بر اساس این فضاها آثارمان را ارائه دهیم تا انسان‌ها دل‌شان بخوادد و دوست داشته باشند که آثار ما را در منازل یا دفاترشان بیاویزند. به همین دلیل تلاش من بر این است‌که ارائه آثارم مطابق با فرم و فضاهایی باشد که امروزه مورد استفاده مردم است.

- راجع به نسب خط نستعلیق و دیگر انواع خط چه نظری دارید؟**

درباره خط نستعلیق، نلست و معلی این واقعیت وجود دارد که من به‌عنوان خوش‌نویس تناسب و زیبایی را درک می‌کنم و از همه انواع خط لذت می‌برم و خط خوب، حرفه‌ای و استادانه را در هر خطی بسیار می‌پندم. من از نمایشگاه‌های نستعلیق، نسخ، ثلث، معلی و… به‌هیچ‌وجه نمی‌گذرم و حتما از این نمایشگاه‌ها دیدار کرده و آثار را از نزدیک تماشا می‌کنم؛ به این خاطر که زیبایی‌شان واقعا هوش‌ریاست. اینکه به خط شکسته می‌پردازم، به این دلیل است که این خط به خُلقم بسیار نزدیک است و من را راضی می‌کند. بی‌انتهابودن این خط و فضاهای بی‌تکرار و این قابلیت که دست‌وپای خوش‌نویس را نمی‌بندد و اجازه می‌دهد خوش‌نویس حرکت و خلق کند، برای من بسیار جذاب است. برای همین خودم به‌عنوان خوش‌نویس، خط شکسته را می‌نویسم؛ اما از هر خط موزون و متناسبی با تمام وجودم لذت می‌برم.

ساختار مبتنی بر مربع و مستطیل را در هندسه این خط شاهد هستیم. فکر می‌کنم این انتخاب به فضای ذهنی من برمی‌گردد که چه علاقه‌مندی‌هایی داشته باشد. اما یکی از دلایل علاقه‌مندی من به خط شکسته این است که این خط در چارچوب قاعده‌ها محدود نمی‌شود. این خط به اقتضای فضا و شرایط دائما نرمش به خرج می‌دهد و شکلی به خود می‌گیرد که با مقتضیات فضا متناسب باشد و من نرمش این خط را خیلی دوست دارم؛ چون به این خط خاصیت بی‌انتهابودن می‌دهد که من بسیار دوست می‌دارم.

- در ترکیب‌بندی‌ها به فضاهای منفی خیلی اهمیت می‌دهید؛ چرا چنین نگاهی به ترکیب‌بندی دارید؟**

من اعتقاد دارم خط‌هایی که نکشیدیم و ادامه‌هایی که رسم نشده‌اند و آنچه ننوشتیم، فضاهای محصور خالی از نوشته بیشتر از خود نوشتار بر ذهن مخاطب اثر می‌گذارد. برای همین به فضای منفی بسیار اهمیت می‌دهم و فضای منفی را خیلی خیلی باز در نظر می‌گیرم. به این علت که به ذهن مخاطب اجازه دهم یک خیال بزرگ در فضاها ترسیم کند.

- آگاهی از عرفان چه تأثیری در فعالیت هنری شما داشته؟**

هرچه زمان گذشت، بیشتر احساس کردم که اصلا هنر و عرفان -هر دو- یک چیز هستند و دو مقوله متفاوت نیستند. شاید ۲۰ سال پیش این دو در ذهن من دو خط یا دو روشی بودند که در دو مدار مختلف در حال حرکت بودند؛ اما این دو الان آن‌قدر روی هم قرار گرفته‌اند که من در حال تهیه مقاله‌ای در این زمینه هستم که چقدر مراحل سیر و سلوک در هنر شبیه مراحل سیر و سلوک در عرفان است و هر دو چقدر مشابهت دارند. کسی که در مسیر هنر به یک کمال بی‌نظیر می‌رسد، وقتی خوب

اینکه به خط شکسته می‌پردازم، به این دلیل است که این خط به خُلقم بسیار نزدیک است و من را راضی می‌کند. بی‌انتهابودن این خط و فضاهای بی‌تکرار و این قابلیت که دست‌وپای خوش‌نویس را نمی‌بندد و اجازه می‌دهد که خوش‌نویس حرکت و خلق کند، برای من بسیار جذاب است. برای همین خودم به‌عنوان خط تخصصی، خط شکسته را می‌نویسم؛ اما از هر خط موزون و متناسبی با تمام وجودم لذت می‌برم.



میان آینده و گذشته جسارتی است در میان حس نوستالژیک و حقیقت ساده و غم‌انگیز زندگی. دمیایی‌های مانده در کنار، در چمدان بازشده، اشیای پراکنده روی تخت و پنجره‌ای بازشده به سوی افق از آتش‌بزخانه و میزی که تنها دو صندلی در کنار آن قرار گرفته‌اند، زباله‌های کنار کابینت و… تمامی انتخاب بسیار ساده‌ای است که تهی‌بودن این فضا از انسان را یادآوری می‌کند؛ انسانی که تنها و به سادگی زندگی خود را تداوم می‌دهد و حال از بیرون فضای زیستنش را رصد کرده است.

روی‌گشودن از این محیط و فضای خصوصی و به اشتراک گذاشتن آن با مخاطبان جسارتی غیرقابل انکار می‌خواهد. رنگ‌های فام و پرتلاو و نورهای بسیار درخشان بویی از خوشبختی در این زندگی را نشان می‌دهد که امروز شاید دچار فقدان شده و در پس این زندگی ساده محبتی هست که مفقود شده. جهان هرمنذ به جهان خصلت‌مند و معنادار تبدیل شده. این اشیاء چونان موجوداتی پراکنده دیگر حاکی از بی‌نظمی صاحبان آن نیستند بلکه تجمیم‌کننده معنایی از زندگی امروز یک فرد در مکان مشخصی از این جهان پنهان‌وند. توانمندی نقاش درگیری او با جهان ذهنی‌اش امکان نفوذ به مفهوم هم نزدیک و هم دور، هم اینجا و هم آنجا را فراهم می‌کند. بسط و گسترش ابعاد و کیفیت فضا توسط ابزار عکاسانه و بازنمایی نقاشانه تجربه قابل تأملی در درک زیبایی به‌خصوص برای بینندگان خود حاصل می‌کند.

قدمی به خوبی امکانات زبان هنر را دریافته و نیاز به گفتن و انتقال حقیقت بودن و ن‌بودن را….

### اخبار برگزیده

## سیمای طراح در میانسالی



گالری اچ از روز جمعه، ۱۱ شهریور ۱۴۰۱ میزبان آثار اونیش امین‌الهی است. این نمایشگاه که «... و ۵۰سالگی» نام دارد تا روز جمعه ۱۸ شهریور برپا خواهد بود. اونیش امین‌الهی، طراح گرافیک

و مدرس این رشته و عکاس است که به سال ۱۳۵۱ در تهران متولد شده و امسال ۵۰سالگی‌اش را با برگزاری این نمایشگاه جشن گرفته است. در این نمایشگاه علاوه بر نمایش آثار از نخستین مجموعه از آثاری که هنرمند با عنوان کالکشن اونیش دیزاین ارائه کرده هم رونمایی می‌شود. اونیش امین‌الهی علاوه بر طراحی و عکاسی مدرس رشته گرافیک هم بوده است و هنوز هم به آموزش گرافیک ادامه می‌دهد.

او درعین‌حال از چهره‌های برجسته مدیریت برند و تبلیغات هم به حساب می‌آید و در این زمینه هم تجربیاتی فراوان دارد. از مشهورترین طرح‌های اونیش امین‌الهی طراحی لوگوی بانک انصار است که کم‌وبیش برای همه آشناست. او علاوه بر فعالیت هنری و تبلیغاتی، سابقه عضویت در هیئت‌مدیره انجمن صنفی طراحان گرافیک ایران را هم دارد و در برگزاری نمایشگاه‌هایی همچون سِرو نقره‌ای و... هم نقش داشته است. نمایشگاه جدید آثار اونیش امین‌الهی با عنوان «... و ۵۰سالگی» به همراه رونمایی از مجموعه جدید کالکشن اونیش دیزاین از روز ۱۱ شهریور در گالری اچ آغاز و تا ۱۸ شهریور ادامه خواهد داشت. علاقه‌مندان می‌توانند همه‌روزه از ساعت ۱۶ تا ۲۰ به نشانی: خیابان شریعتی، روبه‌روی دولت، کوچه میرزا تاراج، پلاک ۱۰، گالری اچ مراجعه کنند.

### نمایشگاه ابوشاهی در گالری هما

### در جست‌وجوی سرآغاز



نمایش جدیدی از ابو شاهی، هنرمند مفهومی، از روز جمعه، ۱۱ شهریورماه با عنوان «چگونه می‌شود ایرانی بود»، در گالری هما افتتاح شده است. این نمایشگاه تا روز جمعه، ۱۸ شهریور ادامه خواهد داشت.

ابو شاهی که نام هنری ابولفضل شاهی است، متولد سال ۱۳۵۳ است. او کارشناسی ارتباط تصویری دارد و مدرک کارشناسی‌ارشد را در رشته ادبیان و عرفان از دانشگاه علوم و تحقیقات تهران اخذ کرده است. او که نخستین نمایشگاه خود را در سال ۱۳۸۰ در گالری آتین برپا کرده بود، با زمینه قراردادن هنرهای سنتی، آثار معاصری خلق می‌کند. ابو شاهی از سال ۱۳۹۱ به شکل مستمر با گالری هما همکاری کرده و نمایش جدیدش نیز در قالب یک چیدمان در این گالری برپا شده است. او پیش‌تر آثاری را در خارج از فضای کالری نمایش داده بود و از آنجا که متولد کاشان است، در آثارش به این شهر فراوان ارجاع داده است. علاوه‌براین چندین کتاب نیز با به قلم او یا با مروری بر آثارش منتشر شده که از این میان مجموعه عکس‌ها، اشعار و کتاب‌های نظری را شامل می‌شود.

چیدمان جدید ابو شاهی با عنوان «چگونه می‌شود ایرانی بود» از روز جمعه، ۱۱ شهریور، در گالری هما افتتاح شده است. این نمایشگاه تا روز جمعه۱۸ شهریور ادامه خواهد داشت. علاقه‌مندان می‌توانند همه‌روزه از ساعت ۱۲ تا ۱۴ به نشانی: خیابان کریم‌خان زند، خیابان سنایی، کوچه چهارم غربی، شماره ۸، واحد یک، گالری هما مراجعه کنند.